

بفرمایید رادیو معلم بخوانید!

گفت‌وگو با علیرضا توحیدی، آموزگار وبلاگ‌نویس از آران و بیدگل

گفت‌وگو: اصغر ندیری
عکس: علیرضا رحمانی

اشاره

او را با دیدن وبلاگ «رادیومعلم» شناختیم. تعداد آموزگاران که فعالیت‌های رسانه‌ای و الکترونیکی دارند، چندان نیست که بتوان راحت از کنارشان گذشت. با این وصف می‌گویید، کار آقای عبدالمحمد شعرانی، دیگر فرهنگی و سرباز معلم کشور در مدرسه‌ی «کالو»، بسیار قابل توجه است.

البته نه به دلیل این که او کارشناسی ادبیات فارسی دارد و آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی است و خانه‌اش بیست کیلومتر از محل کارش، دبستان شهید منتظری سفیدشهر، دور است، به سراغش رفته‌ایم، بلکه به دلیل روحیه‌ی خدمت‌رسانی و هوشمندی و دیگر کارهای شبانه‌روزی‌اش در کنار کار رسمی و بیش از آن و در خدمت آن است که او را از آران و بیدگل کاشان انتخاب کردیم. حتماً قلم خوب و ادبیات شیرین وی را در وبلاگ رادیو معلم یا مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به خصوص در «ایستگاه شماره‌ی ۴ مجله» دیده و خوانده‌اید. بنابراین، گفت‌وگو با علیرضا توحیدی، آموزگار ۳۷ ساله‌ی آران و بیدگلی را که ۱۷ سال است در آموزش و پرورش همین شهر فعالیت می‌کند، بخوانید.

○ آقای توحیدی! چرا نام وبلاگ خود را «رادیو معلم» گذاشته‌اید؟

به نظرم این نام جذاب است. رادیو رسانه‌ای شنیداری است و نامش با بیان اتفاقات تازه مترادف است. من هم خواستم متفاوت باشم و اتفاقات آموزش و پرورش را به شیوه‌ی خودم بگویم.

○ چه طور شد در این منطقه‌ی تقریباً غیربرخوردار، به فعالیت‌های رسانه‌ای و آشنایی با علوم رایانه‌ای جذب شدید؟

از هشت سال پیش، با مطبوعات محلی از جمله نشریه‌ی «آرمان» کاشان همکاری داشته‌ام. چون نیاز بود با

خبرنویسی، مصاحبه و گزارش و دیگر فنون روزنامه‌نگاری آشنا شوم، به مطالعه در این حوزه و کار با نشر الکترونیک پرداختم. «تارنما» یا اینترنت، رسانه‌ای در دسترس است و همه‌ی این‌ها در کنار علاقه‌ی شخصی، مرا به وبلاگ‌نویسی و «نقد» کشاند.

وجود حدود ۱۵ میلیون



دانش آموز و حدود یک میلیون فرهنگی می‌طلبید که چنین فعالیت‌هایی انجام شود. شما ببینید، در کشور چندین روزنامه و مجله‌ی ورزشی داریم، در حالی که تعداد مخاطبان بالقوه‌ی آن به اندازه‌ی آموزش و پرورش نیست.

به هر حال، خودم به صورت خودجوش سراغ این کار رفتم و داشته‌هایم را با مراجعه به شبکه‌ی جهانی ارتباطات کامل کردم.

○ آیا دسترسی شما به شبکه راحت است؟

بله. مشکلی ندارم. در منزل متصل می‌شوم. البته در هفته با صرف وقت بسیار و ۲۰ هزار تومان هزینه، متحمل هزینه‌ی اتصال می‌شوم که این در مقابل ارتقای جایگاه معلم و آموزش و پرورش کشور، مسئله‌ای نیست. به نظر، ما فرهنگی‌ها و معلم‌ها، خودمان باید فعالیت‌هایمان را منعکس کنیم و مشکلات خود را بگوییم.

○ اکنون در چه پایه‌ای تدریس می‌کنید؟ آیا روش

تدریس خاصی هم دارید؟

در پایه‌ی دوم ابتدایی تدریس می‌کنم. در کلاس از تصویرها یا متن‌هایی که در روزنامه‌ها و سایر رسانه‌ها وجود دارد، استفاده می‌کنم. «چرتکه‌ی آموزشی» و آموزش خط تحریری، از دیگر کارهایم است که کنار شور و علاقه، مرا در استفاده و نوآوری در کاربرد وسایل کمک‌آموزشی یاری می‌کند.

○ نشریاتی مانند «صادق»، «تیک تاک» و «پیک بهاران» را به سردبیری یا همکاری شما دیده‌ایم. فکر تهیه و چاپ

آن‌ها از خودتان بود؟

در سال ۱۳۸۴ به دبیرستانی پیشنهاد کردم برای دانش‌آموزان خود نشریه‌ای چاپ کند. مسئولان مدرسه گفتند، دانش‌آموزان ما به آن حد نرسیده‌اند که بتوانند نشریه تهیه و چاپ کنند یا چیزی از خود بنویسند و بخوانند.

من برای آن که ثابت کنم حتی از سطح و دوره‌ی پایین‌تر هم می‌توان این کار را کرد، تجربه‌ام را با پایه‌ی سوم دبستان و با نشریه‌ی تیک تاک آغاز کردم. کل مطالب از عکس و متن را خود بچه‌ها تهیه می‌کردند و من صرفاً آن‌ها را تنظیم می‌کردم و به حروف‌چینی می‌فرستادم. حتماً دقت می‌کنید که به این ترتیب، آن‌ها با تهیه‌ی تیترو، عکس و نوشتن و حتی نحوه‌ی خرید مجله آشنا می‌شدند. این کار خود نوعی توسعه‌ی سوادخواندن و آشناسازی با فعالیت‌ها و مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی بود.

بچه‌ها بعد از کلاس و حتی خانواده‌ها نیز با اشتیاق، مجله‌ها را مطالعه می‌کردند. گاهی پدر و مادرها می‌پرسیدند، چرا عکس فرزندشان چاپ نشده است. وقتی دانش‌آموزان رد پای خود و نتیجه‌ی تلاش‌های متفاوت خود را می‌بینند، بسیار با انگیزه می‌شوند و این در پیشرفت تحصیلی آن‌ها مشهود است.

○ وبلاگ شما چه ویژگی‌هایی دارد؟

وبنوشته‌ی من عمومی است. از آموزش و پرورش می‌گوید و باعث می‌شود، معلم‌های سراسر کشور یکدیگر را بشناسند و تشریک مساعی کنند. در این وبلاگ، حتی عکس، شماره‌ی تلفن و پست الکترونیکی من موجود است تا دوستان و همکاران تماس بگیرند و یا مطلبی بفرستند.



کتابخانه‌ی کانون شهید بنی‌طیبا

ویژگی دیگر، پاسخ‌گو بودن من در آن است که به‌عنوان فردی حقیقی نظر خود را بیان می‌کنم. خیلی از وبلاگ‌ها ناشناس‌اند و در واقع نمی‌توان به آن‌ها استناد کرد.

○ انعکاس کار شما در محل کار و اداره چگونه است؟

با توجه به این که نشانی دارم و وبلاگ را به‌روزرسانی می‌کنم، خوش‌بختانه مسئولان شهرستان توجه خاصی دارند و حتی مرا تشویق هم می‌کنند.

○ آیا کارهای شما در تکمیل آموزش رسمی است یا ممکن است مزاحم روند آموزش باشد؟

اساساً جزو درس است. وقتی دانش‌آموزی کتاب یا روزنامه می‌خواند، در واقع فارسی تمرین می‌کند و اطلاعات فراهم می‌کند. این فعالیت متفرقه محسوب نمی‌شود، او دارد شیوه‌ی زندگی اجتماعی را یاد می‌گیرد. حتی وقتی بچه‌ها اردو می‌روند، می‌گویم خاطره‌ی آن را بنویسند. این کار آثار مثبت فراوانی دارد. در ضمن، فعالیت‌های ما معمولاً پس از ساعت مدرسه است و وقت کلاس را نمی‌گیرد.

بسیاری از دانش‌آموزان دوازده ساله درس می‌خوانند، اما شاید خیلی از آن‌ها نسبت به محل زندگی خود و مختصات آن آگاهی و آشنایی ندارند. من در نشریه‌های محلی می‌کوشم این جاذبه‌ها را با کنجکاوی خود بچه‌ها معرفی کنم. مثلاً خیلی‌ها کاروان‌سرای مرنجاب یا دریاچه‌ی نمک و یا اماکن نزدیک‌تری در این شهر هم چون «یخچال مختص آباد» و «حمام حاج محمد» را می‌بینند، ولی تاریخچه‌ی آن‌ها را نمی‌دانند. در کتاب درسی

● توحیدی می گوید: دانش آموزان بسیار حساس و دقیق هستند و حرف معلم برایشان تعیین کننده است. روزی به آنها گفتم: «بچه ها از کنار دیوار راه بروید.» آنها دستشان را بین خود و دیوار حائل کرده بودند تا فاصله ی لازم را حفظ کنند. وقتی پرسیدم: «چرا این طوری راه می روید؟» گفتند: «چون شما گفتید از کنار دیوار برویم!»



هم مطلبی در این باره ذکر نشده است. بنابراین، فعالیت های من در تکمیل آموزش رسمی است.

○ آیا فعالیت های خود را گسترش خواهید داد؟

در صدد هستم مخاطب جدید و مطالب جدید پیدا کنم. عمق بخشیدن به مطالب، نشانه ی پیشرفت کار است.
○ از دیگر فعالیت های شما آموزش خط تحریری، آموزش املا و بانک دانش آموزی است. در مورد بانک دانش آموزی توضیح دهید.

با توجه به این نکته که بچه ها معمولاً با به دست آوردن پول بیشتر به فکر خرج کردن آن می افتند تا پس انداز، تصمیم گرفتم بانک دانش آموزی کلاس سوم را راه اندازی کنم. نحوه ی کار ساده است؛ به این شرح که بچه ها پول خود را به مسئول بانک می سپارند و در قبال آن دفترچه ی حساب دریافت می کنند. به این طریق، هم با ارزش پول و مفاهیم بانک داری و اوراق بهادار آشنا می شوند و هم یکی از مهارت های زندگی اجتماعی را نیز می آموزند.

○ اگر دوست دارید، از سایر فعالیت های خودتان هم سخن بگویید؟

در روش تدریس املا، با استفاده از کلمات سخت درس، به همراه بچه ها، داستان هایی نوشته ایم. در پایه ی پنجم با تصحیح کلمات غلط پرتکرار، به دو نتیجه ی مثبت می رسیدیم؛ یکی تقویت املا و دیگری تقویت اشنائوسی. هم چنین، مسئول روابط عمومی هیئت دو و میدانی شهر هستم و بنا به مناسبت های دینی یا مهم مثل نیمه ی شعبان، مسابقات دانش آموزی را در سطح شهر ترتیب می دهم. جوایز آن را هم یا از شهرداری و یا خیرین و خود آموزش و پرورش تهیه می کنم.

در کانون شهید «بنی طبا» نیز فعالیت دارم که مدیرش آقای رحمان است. با کمک مردم دنبال این هستیم که کتابخانه ای در محله ی خود راه اندازی کنیم.



دوستانی که تمایل دارند همروزه وبلاگ رادیو معلم آقای توحیدی را بخوانند و از طریق پیام هایی که روی نوشته های وی می گذارند، با ایشان تماس بگیرند، می توانند به نشانی زیر مراجعه کنند:

<http://www.radiomollem2.blogfa.com>